

## خلیج فارس از منظر نه سفرنامه‌نویس اروپایی عصر صفویه

دکتر محمد شورمیج<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۳۱، تاریخ تصویب: ۹۳/۸/۲۴)

### چکیده

نام خلیج فارس همواره در دوران تاریخی ایران به خلیج جنوبی ایران در کنار دریای عمان نامیده می‌شد. در این پژوهش به بررسی کاربرد واژه خلیج فارس توسط نه سفرنامه‌نویس اروپایی عصر صفوی و اهمیت این خلیج از منظر آنها توجه شده است. از بین سفرنامه‌نویسان ونیزی در ایران باربارو، دالساندری و یک بازرگان گمنام ونیزی به خلیج فارس و اهمیت آن اشاره داشته‌اند. همچنین دن گارسیا، دلاواله، سانسون، تاورنیه، آلتاریوس، کمپفر، شاردن و جملی کاری نیز از سفرنامه‌نویسانی بودند که به نام خلیج فارس به عنوان خلیج جنوبی ایران اشاره داشته و از زوایای دیدشان به اهمیت خلیج فارس پرداخته‌اند.

این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که نه سیاح غربی عصر صفوی خلیج جنوبی ایران را چه می‌نامیدند و چه اهمیتی در نگاه آنها داشت؟ لذا با روش کتابخانه‌ای و به شکل توصیفی و تحلیلی به مسائل مذکور پرداخته شده است.

نتیجه اینکه همه سفرنامه‌نویسان عصر صفوی اشاره به نام خلیج فارس داشته و از موقعیت استراتژیک، نظامی، اقتصادی، صید مروارید و درآمد گمرکی خلیج فارس بحث کرده‌اند. تمامی این شرایط مناسب سبب توجه کشورهای اروپایی به خلیج فارس شد.

**کلید واژه‌ها:** خلیج فارس، سفرنامه‌های عصر صفویه، سفرنامه‌نویسان اروپایی، عصر صفویه.

---

۱- استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور (mshoormeij9@yahoo.com)

## مقدمه

در دوره صفویه، اروپاییان زیادی به دلایل متعدد از جمله سیاحت و تفحص، اکتشافات جغرافیایی و کشف قاره‌های جدید، اهداف سیاسی، نظامی، اقتصادی و تجاری و حتی تبلیغ مسیحیت و در قالب هیأت‌های رسمی دولت‌های اروپایی چون ونیز، اسپانیا، ایتالیا، سوئد، آلمان، فرانسه، انگلیس به ایران آمدند و از خود سفرنامه‌های به یادگار گذاشتند که از منابع اصلی این دوره محسوب می‌شوند. اهداف این مسافرت‌ها و دیدگاه سیاحان نسبت به ملل آسیا از جمله ایران در نوع نگارش آنها تأثیرگذار بوده است. به همین جهت با توجه به نوع مأموریت و مسافرت آنها، اعتبار و صحت مطالب آنها شدت و ضعف دارد. طبیعی است سیاحانی که برای تفحص و تحقیق آمده‌اند، بیشتر به دنبال نگارش حقایق بودند. اما با تمام این مسائل می‌توان اطلاعات بسیاری به خصوص در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران دوره صفویه از سفرنامه‌ها استخراج کرد.

از آن جای که در عصر صفویه، سفرنامه‌های بسیاری به نگارش در آمده و نمی‌توان همه آنها را در یک مقاله مورد بررسی قرارداد، در این تحقیق نیز فقط نه مورد از آنها مورد بررسی قرار گرفته است. سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، سفر نامه دُن گارسیا دوسیلوا فیگوئروا، کمپفر، شاردن، تاورنیه، آلتاریوس، سانسون، پیترو دلاواله و جملی‌کاری در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

از مسائلی که در سفرنامه‌های مذکور می‌توان مشاهده کرد، استفاده از نام خلیج فارس در نوشتار آنهاست. با توجه به اینکه در تاریخ معاصر، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، به خاطر مسایل سیاسی، نام خلیج مجعول را به کار می‌برند، نگارنده درصدد آن است با بررسی نام خلیج فارس در سفرنامه‌های اروپاییان عصر صفویه، اثبات نماید که نام خلیج جعل شده از سوی برخی کشورهای عربی، غیرعلمی، سیاسی و بدون مستندات تاریخی است.

در زمینه خلیج فارس، قدمت و پیشینه تاریخی نام آن در منابع تاریخی ایران، مقالات متعددی به مناسبت برگزاری همایش‌های خلیج فارس در دانشگاه‌های ایران از جمله تهران و اصفهان و مؤسسات پژوهشی و وزارت امور خارجه به نگارش در آمده است. اکثر این مقالات به قدمت تاریخی نام خلیج فارس در دوره باستان و مسائل سیاسی و اقتصادی آن در دوره قاجاریه و معاصر توجه داشته‌اند. شاید یکی از دلایل آن، طرح این نام مجعول از سوی کشورهای عربی و برخی از کشورهای غربی در دوره معاصر است، لذا این حوزه‌های مطالعاتی بیشتر مدنظر قرار گرفته است.

در بین پژوهشگران تاریخ، آقای محمدباقر وثوقی استاد تاریخ دانشگاه تهران و همچنین استاد احمد اقتداری و در بین پژوهشگران جغرافیایی سیاسی آقای پیروز مجتهدزاده بیشترین تحقیقات را در مورد تاریخ خلیج فارس ارائه داده‌اند. در این پژوهش سعی شده، علاوه بر نظرات پژوهشگران

این حوزه، با تکیه بر سفرنامه‌های عصر صفویه، پژوهشی در زمینه خلیج فارس و اهمیت آن از دیدگاه سیاحان غربی عصر صفویه ارائه گردد.

### طرح مسأله و روش تحقیق

مسائل اصلی تحقیق عبارت‌اند از: سفرنامه‌نویسان اروپایی عصر صفوی در سفرنامه‌های خود، خلیج جنوبی ایران را چه می‌نامیدند؟ از دیدگاه این سفرنامه‌نویسان خلیج فارس تحت سلسله چه حکومتی بوده و نقش ایران در این منطقه چگونه بوده است؟ اهمیت خلیج فارس از دیدگاه سفرنامه نویسان اروپایی در چه زمینه‌های بود؟

با توجه به این مسائل، فرضیه تحقیق بر این امر مبتنی است که سفرنامه‌نویسان اروپایی از نام خلیج فارس در سفرنامه‌های خود به‌خاطر قدمت تاریخی آن استفاده کرده و حکومت ایران را تأثیرگذارترین قدرت در منطقه می‌دانستند.

روش تحقیق در این مقاله از نوع کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی و تحلیلی است. یعنی با استفاده از اسلوب نگارش و پژوهش در علم تاریخ و با کمک داده‌های تاریخی موجود در سفرنامه‌های اروپاییان عصر صفویه به تبیین و تشریح مسائل تحقیق پرداخته شده است.

### یافته‌های تحقیق

#### سلسله صفویه و سفرنامه نویسان اروپایی (نه سفرنامه نویسن)

سلسله صفویه، با احیاء اقتدار سیاسی وحدت ملی و مذهبی در ایران و اعلام مذهب رسمی تشیع، دارای اهمیت خاصی در تاریخ ایران است. این سلسله در سال ۸۸۰-۱۱۰۱ شمسی بر ایران فرمانروایی کردند و یکی از پرجاذبه‌ترین ادوار تاریخ ایران اسلامی را رقم زدند.

ظهور دولت قدرتمند صفوی به عنوان قدرت جدید در منطقه و مقابله آنها با عثمانی دشمن اروپاییان، سبب توجه دولت‌های اروپایی به ایران شد. از سوی دیگر با گشایش راه جدید دریایی به سمت شرق و منافع سیاسی و تجاری آن، توجه بیشتری به مشرق زمین از جمله ایران شد. لذا سیاحت و جهانگردی با حمایت سیاسی و اقتصادی دولت‌های جدید اروپایی همراه شد.

از نخستین سفرنامه‌های اروپاییان در عصر صفوی، سفرنامه‌های ونیزیان در ایران است. این مجموعه مشتمل بر شش سفرنامه است که توسط پنج سفیر و یک بازرگان گمنام ونیزی به نگارش در آمده است. این سفرنامه‌ها در شکل دادن مکتب ایران‌شناسی در غرب تأثیر بسیاری داشته است. آنها در فاصله سال‌های حکومت اوزون حسن آق‌قویونلو تا طهماسب اول صفوی به ایران آمدند. انگیزه اصلی مسافرت آنها به جز آنجوللو و بازرگان گمنام ونیزی، سیاسی بوده و هدف آنها اتحاد با

ایران علیه عثمانی و کاهش توسعه قدرت عثمانی در اروپا بود. اهمیت سفرنامه‌های مذکور در تاریخ سیاسی و جغرافیای تاریخی ایران و سرزمین‌های همجوار است ولی مطالب آنها خالی از اشتباه و تحلیل نادرست هم نیست.

سفرنامه دیگر، از آدام الثاریوس آلمانی است. او منشی هیأت فریدریش سوم دوک ایالت شلسویک هلشتاین به روسیه و ایران بود. آنها با هدف برقراری روابط تجاری با روسیه و خرید ابریشم ایران از راه روسیه در سال ۱۰۲۳ شمسی به ایران آمدند (بهپور، ۱۳۶۳: ۶). وی به مدت یک سال و نیم در ایران اقامت کرد و اوضاع اجتماعی، آداب و رسوم ایران را بررسی و شرح داده است. الثاریوس به زبان فارسی و ترکی هم آشنا بود و این مسأله اعتبار نوشته‌هایش را بیشتر کرد (همان: ۱۹-۲۱). البته در نوشته‌هایش دارای تعصب قومی اروپائی هم هست (ر، ک، رمضان نرگسی، ۱۳۹۰: ۱۱۹-۱۳۸).

سفرنامه دیگر مد نظر مقاله، سفرنامه پیترو دل‌واله ایتالیایی است. او برای اهداف سیاسی و تحریک ایران برای جنگ با عثمانی آمده بود (دل‌واله، ۱۳۸۴: ۱۹۳-۱۹۸). دل‌واله به قول خودش اشعار فارسی را نمی‌داند؛ اما با وجود آن نه تنها ادبیات اروپایی را برتر از ادبیات و شعر ایرانی می‌داند؛ بلکه با جملات سخیف ادبیات ایرانی را تحقیر می‌کند (همان: ۶۱ و ۱۵۶). به نوعی دچار تعصب برتری اروپاییان بر مشرق زمین می‌باشد.

سفرنامه دُن گارسیا دسیلو فیگوئروا، سفیر فیلیپ سوم پادشاه اسپانیا در دربار شاه عباس اول نیز از سفرنامه‌های مد نظر این مقاله است. او در سال ۹۹۲ شمسی به دربار شاه عباس اول با هدف سیاسی اعزام شد. مأموریت وی این بود تا شاه عباس اول را راضی کند که بندر گمبرون (عباس) و بحرین را دوباره به اسپانیایی‌ها پس بدهد (نوائی، ۱۳۷۷: ۱۰۳)؛ اما موفق نشد. این سفرنامه به قلم شخصی فیگوئروا نیست و یکی از همراهانش آن را نوشته است (سمیعی، ۱۳۶۳: مقدمه سفرنامه). وی چون سفیر سیاسی بود، برای اهداف دولت اسپانیا تلاش می‌کرد. او در توصیف مسائل ایران دارای تعصبات اروپایی است.

سفرنامه دیگر، از تاورنیه جهانگرد فرانسوی است. وی در زمان پادشاهی شاه صفی، شاه عباس دوم و شاه سلیمان صفوی به ایران مسافرت کرد (تاورنیه، ۱۳۶۳: ۹). به نظر عده‌ای، تاورنیه در مورد ایران روایتی شرافتمندانه و دقیق ارائه کرده است (شیبانی، ۱۳۸۱: ۴۲). البته در نگارشات این جهانگرد و جستجوگر فرانسوی، تعصبات دینی و قضاوت نادرست از ایران هم دیده می‌شود.

سفرنامه دیگر مدنظر در این مقاله، سفرنامه انگلبرت کمپفر آلمانی، منشی و طبیب هیأت دربار کارل یازدهم شاه سوئد به ایران است. هدف این هیأت آلمانی، روابط تجاری با ایران و تشویق ایران

به جنگ با عثمانی بود (مقدمه سفرنامه کمپفر، ۱۳۶۳: ۴). کمپفر سعی کرد چیزهای که به نظرش تازه است را توصیف کند و سیاحی محقق بود (همان: ۱۰).

سفرنامه معروف و مهم دیگری که در این مقاله مورد توجه قرار گرفت، سفرنامه ژان شاردن است. او جواهر فروش سیاح فرانسوی بود که برای تجارت راه مشرق زمین را در پیش گرفت و در سال‌های ۱۰۴۵ و ۱۰۴۸ شمسی، به ایران مسافرت کرد. مهم‌ترین علت علاقمندی شاردن به ایران، خلق و خوی مردم ایران و شکوفایی تمدنی آن بود (کرویس، ۱۳۸۴: ۷ و ۴۶-۴۷). مدت اقامت طولانی شاردن در ایران و آموختن زبان فارسی، باعث شد که درک بهتری از فرهنگ ایرانی داشته باشد. هر چند وی شیوه حکومتی ایران نسبت به اروپا را تحقیرآمیز دانسته و در این راستا دچار تعصب برتری غرب شد.

سفرنامه دیگر قابل تعمق در این مقاله، سفرنامه سانسون فرانسوی است. او از اعضای هیأت مبلغان مسیحی بود که در سال ۱۰۶۳ شمسی برای آموزش مسیحیت به مسیحیان ایران مأمور شد. وی زبان فارسی، ترکی و ارمنی را آموخته و به شهرهای مختلف ایران مسافرت کرد و اطلاعاتی از مسائل اجتماعی، فرهنگی و اداری ایران زمان شاه سلیمان صفوی می‌دهد. البته در این سفرنامه، ادبیات چاپلوسانه‌ای درباره شاه سلیمان و نگارش غرض ورزانه‌ای در مورد مسلمانان ایران و دین اسلام به چشم می‌خورد که قابل تعمق است (راک. سانسون، ۱۳۴۶: ۷۰، ۱۲۹، ۱۶۸، ۲۰۱، ۲۱۶، ۲۲۲).

آخرین سفرنامه مورد نظر در مقاله، سفرنامه جملی کارری، جهانگرد ایتالیایی است. او در سال ۱۰۷۳ شمسی در پایان دوره شاه سلیمان و شروع سلطنت سلطان حسین صفوی به ایران آمد. وی با دقت نظری خاص به آداب و رسوم ایرانیان و نکات جزئی دولتمردان در این دوره پرداخته است (طاهری، ۱۳۴۹: ۶۱۱-۶۱۴). هدف کارری، مسافرت به دور دنیا و سیاحت بوده است. لذا در نگارش وی نگاه سیاسی و غرض ورزانه نسبت به سفرنامه‌های دیگر بسیار اندک است. در مجموع با اینکه اکثریت سفرنامه‌نویسان اروپایی عصر صفوی، نگاه برتری‌جویانه غرب نسبت به شرق داشتند؛ ولی هیچ‌کدام از آن‌ها از نام خلیج فارس و اهمیت آن غافل نشدند و به آن اعتراف داشتند.

### نگاهی به خلیج فارس در عصر صفوی

خلیج فارس به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و ژئوپلتیکی و اهمیت اقتصادی و تجاری همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ بود. بعد از جنگ‌های صلیبی و ورود مسیحیان و بازرگانان غربی به مشرق و انتشار نوشته‌های آنان، انگیزه مسافرت بیشتر شد و از جمله نقاطی که بیشتر مدنظر

اروپاییان قرار گرفت، خلیج فارس بود. ورود آنها از آغاز سلطنت شاه اسماعیل صفوی آغاز گردید (امین، ۱۳۷۰: ۹؛ وثوقی، ۱۳۸۶: ۶۱-۶۴). با سقوط قسطنطنیه توسط عثمانی (۸۳۱ ش)، کشف راه دریایی به دماغه امیدنیک، سرانجام ماجراجویان و بازرگانان اروپایی به خلیج فارس رسیدند تا از آن طریق ابریشم و ادویه و دیگر کالاهای شرقی را به قاره خود برسانند. اروپاییان در ظاهر برای تجارت و منافع اقتصادی وارد خلیج فارس شدند اما از همان آغاز با بهره‌گیری از نیروی نظامی بیشتر، در جهت سلطه سیاسی خود کار کردند (تکمیل همایون، ۱۳۶۸: ۱۸۵؛ امین: همان).

موقعیت استراتژیکی و بازرگانی مسقط، ثروت و جلال دریایی هرمز (هرموز)، صیدگاه‌های بحرین و فرآورده‌های دیگر و مسأله حمل و نقل کالاهای تجاری، علل تشویق و تحریض پرتغالی‌ها به سمت خلیج فارس بود. آلبوکرک در سال ۸۸۵ شمسی مسقط (که به پادشاه هرمز تعلق داشت) و در سال ۸۸۶ شمسی هرمز را تصرف و پادشاه آنجا را دست‌نشانده خود نمود (امین، همان: ۱۰؛ وثوقی، همان: ۶۲-۶۳). سپس پرتغالی‌ها گمبرون، بندرعباس، قشم، ری شهر کنگ (کنگون یا کنگان) را تحت نفوذ قرار دادند.

با آن‌که در سواحل خلیج فارس مثل عمان، مسقط، قطیف، هرمز، قشم، کیش ملک سیف‌الدین پادشاه دوازده ساله هرمز حاکم بود، اما وی دست‌نشانده پرتغالی‌ها شد و از شاه صفوی اطاعت نکرد (اقبال، ۱۳۲۸: ۷۱؛ فیگوئروا، ۱۳۶۲: ۷۰). شاه عباس اول توانست با کمک کشتی‌های جنگی انگلیس، برتری یکصدوپانزده ساله پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها را در خلیج فارس خاتمه دهد. در نتیجه مقدمات ورود انگلیسی‌ها به خلیج فارس به بهانه سرکوبی پرتغالی‌ها فراهم شد اما پس از بیرون راندن رقیب، همچون قدرت برتر در منطقه خلیج فارس حضور پیدا کردند (۹۹۷-۹۹۸ شمسی).

سیاست سقوط پادشاهی ملوک هرمز، در درازمدت به ضرر حاکمیت سیاسی و اقتصادی ایران در خلیج فارس تمام شد. چون باعث تخریب کامل شهر هرمز و مهاجرت بخشی از تاجار و کسبه آن به مسقط و بنادر هند شد. دیگر اینکه بندر گمبرون (عباس)، امکانات زیر بنایی برای جایگزینی و مرکزیت را نداشت و بیشتر به عنوان لنگرگاه استفاده می‌شد. مهم‌تر اینکه موقعیت خاص هرمز امکان نظارت ایران بر بخش‌های ساحلی عمان را فراهم آورد، در حالی که انتقال مقرر سیاسی و تجاری به گمبرون (عباس) نوعی عقب‌نشینی ایران از بخش‌های جنوبی خلیج فارس بود و به تدریج ایران موقعیت نظامی خود را بر گذرگاه‌ها و لنگرگاه‌های اقتصادی هند از دست داد (وثوقی، همان: ۹۲-۹۴).

در نتیجه تمام این کنش‌های تاریخی به سود انگلیسی‌ها تمام شد زیرا با امتیاز معافیت گمرکی برای کالاهای خود و کسب نیمی از عواید گمرکی بندرعباس، نفوذ آنها در خلیج فارس توسعه یافت

(ر.ک. کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۱۴-۱۱۵). انگلیسی‌ها با کمک کمپانی هند شرقی، در بندرعباس و بوشهر نمایندگی تأسیس کردند و قدرت آنها در آب‌های خلیج فارس زیاد شد. البته در زمان اواسط و اواخر صفویه، قدرت‌های بومی و محلی خلیج فارس و برخی از دزدان دریایی مشکلاتی برای آنها ایجاد کردند و باعث کاهش اعتبار و نفوذ آنها در خلیج فارس شدند (ویلسن، ۱۳۶۶: ۲۰۳، ۱۵۸؛ امین، همان: ۲۸). ولی با سقوط صفویه و ضعف قدرت‌های بومی دریایی منطقه خلیج فارس و سرکوبی آنها به بهانه دزدی دریایی و اغتشاش اوضاع سیاسی ایران، انگلیسی‌ها بر منطقه سلطه یافتند (شورمیچ، ۱۳۸۹: ۹۰-۹۳).

### خلیج فارس در منظر نه سفرنامه نویسی اروپایی عصر صفویه

#### سفرنامه ونیزیان در ایران و خلیج فارس

جوزافا باربارو، یکی از نویسندگان این مجموعه در یادداشت‌های خود از خلیج جنوبی ایران با عنوان خلیج فارس یاد کرده است (باربارو، ۱۳۴۹: ۶۱، ۶۷، ۸۷-۸۹). مثلاً در توصیف کوه‌های توروس ترکیه می‌نویسد: «...از جنوب شرقی به سوی خلیج فارس امتداد دارد» (همان: ۶۱). در جای دیگر از جواهراتی که اوزون حسن به او نشان داد یاد می‌کند و می‌نویسد، اوزون حسن گفت: «... آنها را پادشاهی از آن سوی دریاها یعنی از آن سوی خلیج فارس<sup>۱</sup> برایش فرستاده است» (همان: ۶۷). همچنین به معرفی شهر چرچ (خارک) می‌پردازد و در این باره می‌نویسد: «شهر چرچ شهری کوچک اما در راه عبور و مرور مسافران است زیرا همه کسانی که به سوی دریای سرخ می‌روند از آن می‌گذرند، مقصودم از دریای سرخ، خلیج فارس<sup>۲</sup> است» (همان: ۸۷). شاید در اینجا مقصود، مسیر گذر به دریای سرخ باشد، که باید از خلیج فارس بگذرد.

باربارو در صفحات دیگر سفرنامه‌اش، از ساکنان خلیج فارس و مسافت آن یاد کرده و می‌نویسد: «... مردم ساکن این نقاط (هرمز) مسلمانند و پهنای خلیج فارس سیصد میل است» (همان: ۸۸-۸۹). باربارو به اهمیت اقتصادی و تجاری خلیج فارس اشاره دارد و از عبور و مرور کشتی‌های تجاری و مال‌التجار در آن بحث می‌کند و شهر هرمز را، شهری پرجمعیت معرفی کرده است (همان: ۸۸).

یک بازرگان گمنام ونیزی و همچنین دالساندری سفیر ونیز، به خلیج فارس اشاره دارند و محدوده ایران در جنوب را خلیج فارس ذکر می‌کنند (همان: ۳۶۰ و ۴۴۳).

۱- خلیج فارس در متن اصلی به شکل *Gulf of persia* آمده است.

۲- خلیج فارس به صورت لاتین آن *sinu persico* آمده است.

در نتیجه باربارو، دالساندری و بازرگان گمنام ونیزی در اوایل دوره صفوی از خلیج فارس در نوشته‌های خود یاد کرده‌اند، که بیانگر یک سند تاریخی در نام خلیج فارس است.

### آدام آلتاریوس و خلیج فارس

التاریوس از اعضای هیأت دوک هلشتاین آلمان، زمانی که به شرح قلمرو ایران می‌پردازد، این گونه از خلیج فارس نام می‌برد: «ایران در حال حاضر از شمال تا باختر، تمام سرزمین‌هایش بین دریای خزر و خلیج فارس یا سینو پرسیکو<sup>۱</sup> قرار دارد... سرزمین‌های که از فرات تا مرزهای قندهار گسترده است. به امپراطوری ایران تعلق دارد» (التاریوس، ۱۳۶۳: ۲۳۴). التاریوس هرچند سمت شرق به غرب مرزها را جابه‌جا مطرح کرده است؛ اما آنچه مهم است اینکه خلیج فارس را به عنوان سرزمین تحت حاکمیت ایران یاد کرده است. البته در سفرنامه‌اش، چون از راه مسکو آمده بودند، از خلیج فارس و سواحل آن بحثی نمی‌کند.

### پیتر دلاواله و خلیج فارس

دلاواله در سفرنامه‌اش از خلیج فارس و اهمیت اقتصادی و سیاسی آن توصیفاتی دارد. در صفحات متعدد سفرنامه دلاواله از خلیج فارس یاد شده است (دلاواله، ۱۳۸۴: ۵، ۴۹ و غیره؛ دلاواله، ۱۳۸۰، ج ۱: ۴۴۶ و ۵۵۳ و غیره و همان، ج ۲: ۱۰۷۳ و غیره). در توصیف کردستان (دلاواله، ۱۳۸۴: ۵؛ همان، ۱۳۸۰، ج ۱: ۴۴۶) و شهر بصره (دلاواله، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۰۷۳)، از خلیج فارس به عنوان قلمرو مرزی ایران یاد می‌کند. مثلاً در مورد بصره می‌نویسد: «... در کنار دریا در منتهی‌الیه خلیج فارس و بسیار نزدیک به مرزهای ایران قرار دارد» (همانجا). دلاواله، از رواج جادوگری و اعتقادات جادوی در بین اعراب ساکن در ساحل غربی خلیج فارس یاد کرده است و این اعتقادات را امری عادی در بین آنها می‌داند (همان، ج ۲: ۱۲۳۷). همچنین دلاواله از تنگه هرمز در خلیج فارس و حضور پرتغالی در آن اشاره دارد (همان، ج ۲: ۱۲۹۲، ۱۵۸۴ و ۱۵۸۷).

نکته قابل توجه در گزارشات دلاواله، توجه این سیاح خارجی به اهمیت اقتصادی و تجاری خلیج فارس است. دلاواله در همین راستا، به علاقه انگلیسی‌ها برای تجارت در بنادر خلیج فارس در

1- sinupersico

۲- سفرنامه دلاواله، ترجمه شفا، (۱۳۸۴): صفحات: ۵، ۴۹، ۹۵، ۹۴، ۱۲۰؛ دلاواله، ترجمه بهفروزی، (۱۳۸۰)، ج ۱، صفحات: ۴۴۶، ۵۵۳، ۵۵۵؛ و همان، (۱۳۸۰)، ج ۲، صفحات: ۱۰۷۳، ۱۰۸۵، ۱۱۵۴، ۱۲۳۷، ۱۲۸۹، ۱۲۹۲، ۱۵۸۴، ۱۵۸۷.



زمان شاه عباس اول می‌پردازد و می‌نویسد، انگلیسی‌ها قصد دارند، از راه خلیج فارس، ابریشم ایران را به اروپا ببرند و شاه ایران نیز مشتاق این کار هست. زیرا راه قدیمی آن از مسیر عثمانی می‌گذشت، با این کار به نفع ایران تمام می‌شد و سود بیشتری هم می‌برد (دلواله، ۱۳۸۴: ۹۵). یادداشت‌های دلواله در این زمینه این گونه آمده است: «... او [کاناک] می‌خواهد پیشنهاد کند همه کشتی‌ها با بار کالا به بندرهای خلیج فارس آمده و بعداً ابریشم را از راه اقیانوس به انگلستان حمل کنند...» (همان)

دلواله که برای اهداف سیاسی و تحریک و تشویق ایران برای جنگ با عثمانی و کمک به دنیای مسیحیت به ایران آمده بود، به خوبی متوجه اهمیت خلیج فارس و نقش آن برای رسیدن به اهداف سیاسی خود شد. به همین جهت در یادداشت‌های خود از تغییر مسیر تجاری به سمت خلیج فارس و دشمنی علیه عثمانی حمایت می‌کند و این کار را بیش از همه به نفع ایران می‌داند، در حالی که سود آن برای انگلیس‌ها بیشتر از ایران بود ولی به این مسأله با زیرکی خاص خود نمی‌پردازد.

دلواله در تکمیل اهمیت اقتصادی خلیج فارس از وجود نفت خام در آن خبر می‌دهد و چون هنوز تبدیل به ماده خام ضروری صنعتی برای کشورهای غربی نشده بود، از خواص طبی آن اشاره دارد و می‌نویسد: «نفت دارای خواص طبی نیز هست ... در بالای خلیج فارس و بابل از زمین می‌جوشد» (همان: ۱۲۰).

### دن گارسیا دسیلو فیگوئروا و خلیج فارس

فیگوئروا سفیر فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا در دربار شاه عباس اول، در مشاهدات خود از خلیج فارس یاد کرده است (فیگوئروا ۱۳۶۳: ۴۴، ۶۹، ۷۰، ۷۷-۷۸، ۸۴). این سفیر اسپانیایی که مأموریت سیاسی برای مجاب کردن شاه ایران برای ادامه حضور اسپانیایی‌ها در هرمز و بنادر خلیج فارس داشت، در مورد مالکیت ایران بر خلیج فارس می‌نویسد: «این پادشاه [شاه عباس اول] علاوه بر لار، همه نواحی ساحلی فارس تا دماغه گواتر را مسخر کرد و پادشاهی را که در این ناحیه سلطنت می‌کرد [ملوک هرمز] و اعقابش نزدیک دو هزار در آن جا حکومت کرده بودند، برانداخت» (همان: ۷۰).

در تحلیل این نوشتار باید گفت منظور فیگوئروا، محمدشاه آخرین فرد از ملوک هرمز بود. این خاندان از زمان شاه اسماعیل اول، دست نشانده پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها شده و از تابعیت ایران به خاطر ضعف سیاسی و نیرو دریایی آن سرباز زدند اما با قدرت‌گیری شاه عباس اول و سرکوب و اخراج پرتغالی‌ها، ملوک هرمز نیز بخاطر وابستگی به آنها از بین رفتند و تمام نواحی تحت سلطه آنها مستقیماً زیر سلطه شاه ایران در آمد که خوشایند سفیر اسپانیا نبود (وثوقی، ۱۳۸۶: ۸۴-۸۹).

مسأله دیگر اینکه ملوک هرمز در گذشته تابع و دست نشانده ایران بودند و همچنین قدمت هفتصد ساله داشتند (همان: ۸۹). اما سفیر اسپانیا با اغراق گویی قدمت دوهزار ساله برای آن‌ها قائل است و با این بیانات می‌خواست به حکومت آن‌ها مشروعیت بدهد و دست‌نشانده‌گی و خوش‌خدمتی آنها به پرتغال و اسپانیا را توجیه کند.

فیگوئروا در جای دیگر از مشاهدات خود، گزارش‌هایی می‌دهد که حاکی از مالکیت ایران بر سواحل خلیج فارس است. وی در این باره می‌نویسد: «... از بدو ورود به ایران به دستور امامقلی خان فرمانروای شیراز که بر لار و سراسر ناحیه ساحلی خلیج فارس تا بحرین به وسعت اعظم ایالت فارس حکومت می‌کرد، همه آن وسایل در اختیار سفیر قرار گرفته بود» (همان: ۸۴). نتیجه اینکه، سفیر اسپانیا، عملاً در اجرای مأموریت خود یعنی ادامه حضور اتباع کشورش در آب‌های خلیج فارس ایران ناامید شد و با تمامی اهداف سیاسی که داشت، مجبور به اعتراف مالکیت ایران بر سواحل خلیج فارس و بنادر آن شد.

#### تاورنیه و خلیج فارس

تاورنیه سیاح جستجوگر فرانسوی، که با هدف تحقیق و جهانگردی به ایران آمده بود، بیش از نه بار ایران را دیده و اطلاعات مفصل و خوبی از خلیج فارس ارائه داده است. وی در گزارش‌های خود، هر جای که به خلیج جنوبی ایران می‌رسد، با نام خلیج فارس از آن یاد می‌کند (تاورنیه ۱۳۶۳: ۱۳۷، ۱۷۰ و غیره). وی در سفرنامه خود به مالکیت ایران بر بنادر خلیج فارس اشاره دارد و در این زمینه می‌نویسد: «... در هرمز و سایر بنادر خلیج فارس مثل جزیره بحرین ... متعلق به پادشاه ایران هستند...» (همان: ۱۳۷). تاورنیه در سفرنامه خود به اهمیت اقتصادی و تجاری خلیج فارس توجه دارد و منابع عمده اقتصادی خلیج فارس را، صید مروارید به‌خصوص در بحرین، عوارض مال‌التجارها، درآمدهای گمرکی، تجارت محصولات دامی و خرما می‌داند. در زمینه صید و تجارت مروارید در خلیج فارس می‌نویسد: «در هرمز و سایر بنادر خلیج فارس مثل بحرین که در آنجا صید و تجارت مروارید می‌شود...» (همان: ۱۳۷). همچنین در ادامه گزارشات خود، از بحرین به عنوان مرکز صید مروارید یاد می‌کند و می‌نویسد: «مروارید در نزدیک جزیره بحرین، وسط خلیج فارس صید می‌شود، مرواریدهای که به اندازه معینی درشت باشند باید مخصوص شاه باشد» (همان: ۳۶۸).

در زمینه تجارت محصولات دامی و خرما نیز مستندات جالبی ارائه داده است. وی از حمل گاو میش و تجارت آن در سواحل ایران و عربستان خبر می‌دهد (همان: ۲۲۷) و در مورد تجارت خرما

می‌نویسد: «اغلب اوقات از هرمز کشتی‌های متعدد پر از خرما برای بنادر خلیج فارس بارگیری می‌شود...» (همان: ۱۷۰).

در زمینه درآمد گمرکی بندرعباس در خلیج فارس می‌نویسد: «از حقوق گمرک شانزده درصد به شاه می‌رسید. برای اینکه تجار در گرمای بندرعباس زیاد معطل نشود، دو درصد هم به شاه بندر و اجزای او می‌دهند، مجموعاً سالی ۲۱ الی ۲۲ هزار تومان از گمرک بندرعباس عاید می‌شود» (همان: ۶۸۷). تاورنیه با توجه به رشد بندرعباس از عهد شاه عباس اول به بعد، به این بندر در بین بنادر خلیج فارس اهمیت ویژه‌ای قائل است و در این زمینه می‌نویسد: «بندرعباس اکنون شهر بزرگی، با مخزن‌های وسیع برای مال التجاره شده است... همان وقت هم که هرمز در تصرف پرتغالی‌ها بود، باز معاملات عمده تجارتهای در بندر عباس می‌شد. چون از حیث امنیت بر همه سواحل نقاط خلیج ترجیح دارد... انگلیسی‌ها و هلندیها در آنجا تجارت‌خانه دارند... بهترین لنگرگاه‌های خلیج فارس، بندرعباس است، تمام کشتی‌های بزرگی که از هندوستان برای ایران و عثمانی و سایر نقاط آسیا و یک قطعه از اروپا مال التجاره بار می‌گیرند به بندرعباس آمده، لنگر می‌اندازند...» (همان: ۶۸۸). مشاهدات و گزارشات تاورنیه محقق سیاح فرانسوی بیانگر رشد بندرعباس در بین بنادر خلیج فارس است.

تاورنیه، از هرمز نیز به عنوان دهانه خلیج فارس یاد می‌کند (همان: ۶۸۱)، که بیانگر موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیکی آن است. در مجموع گزارش‌های تاورنیه، محقق و جستجوگر فرانسوی، نشانگر حضور حاکمیت ایران در بنادر خلیج فارس و اهمیت آن در نزد اروپاییان است.

### کمپفر و خلیج فارس

کمپفر، منشی و طبیب آلمانی اعضای سفارت پادشاه سوئد به ایران، از خلیج فارس در سفرنامه‌اش یاد کرده است (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۸، ۳۷، ۶۸، ۹۰، ۱۱۴-۱۱۵). وی محدود قلمرو شاه ایران در جنوب را منتهی به خلیج فارس می‌داند (همان: ۱۸).

کمپفر در زمینه حوادث سیاسی مهم خلیج فارس در زمان شاه سلیمان صفوی از تصرف قشم توسط کمپانی هلندی هند شرقی گزارش می‌دهد (همان: ۶۸). او به عدم وجود نیروی دریایی ایران در خلیج فارس و دریای خزر اشاره دارد و می‌نویسد: «... آنچه هست به چند کشتی کوچک مسلح تجاری محدود است که در خلیج فارس و دریای خزر آمد و شد، دارند» (همان: ۹۰).

کمپفر در بخشی از سفرنامه خود، از وصول مالیات‌ها صحبت می‌کند، در همین زمینه به خلیج فارس، عوارض گمرکی و عواید آن می‌پردازد و می‌نویسد: «عوارض گمرکی دریای خزر ناچیز

است اما بر خلاف آن عواید بندرهای خلیج فارس به خصوص بندرعباس، بندرگنگ (کنگون)، بندرریگ کاملاً قابل ملاحظه و کلان است» (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۱۴).

کمپفر در زمان شاه سلیمان صفوی به نفوذ انگلیسی‌ها در بنادر خلیج فارس و بهره‌برداری اقتصادی از آن می‌پردازد. طبق گزارش کمپفر، آنها از معافیت عوارض گمرکی برخوردار بوده و نیمی از عواید گمرک بندرعباس را نیز به‌خاطر کمک به شاه عباس اول دریافت می‌کنند، که حدود هزار تومان است (همان: ۱۱۵). کمپفر در زمینه درآمد بندرعباس می‌نویسد: «از بندرعباس، هرساله در حدود ده هزار تومان نصیب مستوفی‌گری خاصه می‌شود، عواید گمرکی کنگ (کنگون) خیلی کمتر از این رقم و مدخل بندر ریگ از همه کمتر زیرا عمق اندک آن این روزها ورود سفاین تجاری را غیرممکن می‌سازد» (همان).

### شاردن و خلیج فارس

شاردن سیاح و جواهر فروش فرانسوی در سیاحت نامه ارزشمندش، از خلیج فارس یاد کرده است (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۲: ۶۱۷-۶۱۹، ۶۹۲ و ۹۱۱). شاردن از مسقط، هرمز و بحرین به عنوان بنادر خلیج فارس اشاره کرده و از فعالیت سیاسی و تجاری پرتغالی‌ها در این بنادر مطالبی ارائه داده است (شاردن، همان، ج ۲: ۶۱۸). در زمینه فعالیت پرتغالی‌ها در بندر مسقط و بحرین می‌نویسد: «... بندر مسقط در چهل فرسنگی هرمز در تصرف ایشان (پرتغالی‌ها) است. این بندر از نظر تجاری کاملاً مورد توجه ایران بود ... پرتغالی‌ها در سال ۱۰۰۴ شمسی موافقت‌نامه‌هایی با پادشاه ایران امضاء کردند، آن‌ها کلیه چیزهای که در سواحل ایران داشتند به ایران برگرداندند و شاه نیز حق صید مروارید را در سواحل بحرین به ایشان عطاء کرد و موافقت کرد نیمی از عایدات عوارض کنگ نیز از آن‌ان باشد» (همان: ۶۱۸). شاردن از آب و هوای خلیج فارس و سکه‌های رایج در سواحل آن با نام لارین که منسوب به شهر لار است. اشاره کرده است (همان: ۶۹۲ و ۹۱۱).

در نتیجه شاردن بزرگترین سفرنامه‌نویس عصر صفوی، از نام خلیج فارس و اهمیت اقتصادی آن در نزد اروپاییانی چون پرتغال و انگلیس غافل نشده و در این زمینه مستندات از خود به یادگار گذاشته است.

### سانسون و خلیج فارس

سانسون مبلغ مسیحی فرانسوی، در سفرنامه خود به نام خلیج فارس و درآمدهای اقتصادی آن توجه دارد (سانسون، ۱۳۴۶؛ ۱۳۴، ۱۴۲، ۱۴۴ و ۱۸۸). آنچه از گزارشات سانسون در مورد خلیج فارس قابل تعمق است، درآمدهای گمرکی ایران در خلیج فارس است. وی در این مورد می‌نویسد: «قسمت عمده عواید گمرک ایران از خلیج فارس و گیلان وصول می‌گردد. زیرا از آن جا ابریشم از کشور خارج می‌شود. گمرک خلیج فارس که شامل بندر عباس و بندرکنگو و بندر ریگ و جزیره بحرین می‌باشد به شصت و پنج هزار تومان که دو میلیون و نهصد و بیست و پنج هزار لیور می‌شود اجاره داده شده است» (سانسون، ۱۳۴۶؛ ۱۳۴).

در زمینه حفاظت سرحدات ایران و تعداد نیروهای محافظ نیز این چنین گزارش می‌دهد: «دوازده هزار نفر را در ایران قدیم و کارامانی که از خلیج فارس تا شط هند ادامه دارد، نگهداری می‌کنند» (همان: ۱۴۲). البته این آمار جالبی برای حفاظت از مرزهای ایران در آن زمان نیست. سانسون همانند کمپفر از عدم وجود نیروی دریایی ایران در آب‌های ایران یاد کرده و در این باره می‌نویسد: «شاه ایران در دریا هیچ نیرو ندارد و همین قدر که شاه آقای هرمز و خلیج فارس و دریای عربستان و بحر خزر می‌باشد برای او کافی است. ایرانیان کشتی‌رانی را دوست ندارند و از آن وحشت می‌کنند...» (همان: ۱۴۴). آنچه در این نوشتار قابل تعمق است سه نکته است: اول اینکه ایران فاقد نیروی دریایی بوده و این مسأله پیامد منفی قابل توجهی برای دولت ایران داشت، دوم اینکه نام خلیج فارس همواره از سوی سیاحان خارجی مطرح شده است، سوم اینکه، ایران مالکیت خلیج فارس و سواحل آن را داشته و آنها تحت حوزه استحفاظی دولت ایران بودند.

### جملی کاری و خلیج فارس

جملی کاری سیاح ایتالیایی که در اواخر شاه سلیمان و اوایل سلطنت سلطان حسین صفوی به ایران آمده بود، در حین گزارش‌های خود از خلیج فارس یاد کرده است (کاری، ۱۳۴۸: ۱۹۴). وی با آنکه خیلی به نواحی جنوبی ایران نمی‌پردازد؛ ولی در همان گزارش‌های کوتاه خود از نام خلیج فارس غافل نشد. در توصیف بندر لنگه می‌نویسد: «بندر لنگه در کنار خلیج فارس واقع شده و بزرگترین کالای بازرگانی بندر لنگه مروارید است» (همان: ۱۹۵).

در نتیجه با استناد به گزارش کوتاه اما مستند جملی کاری، می‌توان پی برد که خلیج جنوبی ایران در نزد این سیاح ایتالیایی، خلیج فارس بود و از نظر اقتصادی خلیج فارس به دید سیاح مذکور به خصوص در زمینه صید مروارید دارای جایگاه خاصی است.

## نتیجه‌گیری

فرجام سخن اینکه نام خلیج فارس همواره در سفرنامه‌های اروپائیان عصر صفوی از کشورهای چون آلمان، ونیز، فرانسه، انگلیس، اسپانیا و ایتالیا به خلیج جنوبی ایران اطلاق می‌شد و تمامی این نُه سفرنامه نویس اروپایی عصر صفوی، در گزارش‌های خود، به این مسأله تأکید داشته‌اند.

نکته دوم اینکه، تمامی آنها به مالکیت ایران و نفوذ دولت ایران بر بنادر سواحل خلیج فارس اعتراف داشته‌اند. اما نکته‌ای که باعث ضعف سلطه ایران بر بنادر و سواحل خلیج فارس می‌شد، عدم وجود نیروی دریایی ایران بود. کمپفر و سانسون از نبود نیروی دریایی ایران بر سواحل خلیج فارس اشاره داشته‌اند و همین امر سبب نفوذ کشورهای چون پرتغال، اسپانیا، انگلیس، هلند و فرانسه بر سواحل و بنادر خلیج فارس در این دوره شد.

نکته سوم، اهمیت اقتصادی، تجاری و موقعیت ویژه جغرافیایی خلیج فارس در منطقه است که تمامی سیاحان به این موارد اشاره داشته‌اند و از صید مروارید و عواید گمرکی خلیج فارس گزارش‌های ارائه داده‌اند. همین موقعیت مناسب خلیج فارس، سبب توجه کشورهای چون پرتغال، اسپانیا و انگلیس به سواحل خلیج فارس شد؛ اما به‌خاطر نبود نیروی دریایی ایران در خلیج فارس و ضعف قوای نظامی ایران در دریاها، به مرور اروپاییان بر بنادر و سواحل خلیج فارس مسلط شدند و در نهایت انگلیسی‌ها از همین ضعف ایران استفاده کرده و سبب تحرک اعراب و تجزیه این مناطق از ایران شدند.

## منابع

- الثاریوس، آدام، (۱۳۶۸)، *سفرنامه بخش ایران*، ترجمه احمد بهپور، چاپ اول، تهران: ابتکار.
- اقبال، عباس، (۱۳۲۸)، *مطالعاتی در باب بحرین و جزایر سواحل خلیج فارس*، تهران: چاپخانه مجلس.
- امین، عبدالامیر، (۱۳۷۰)، *منافع انگلیسی‌ها در خلیج فارس*، ترجمه علی رجبی یزدی، تهران: امیر کبیر.
- باربارو، جوزافا و دیگران، (۱۳۴۹)، *سفرنامه‌های و نیزبان در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.
- تاورنیه، ژان باتیست، (۱۳۶۳)، *سفرنامه*، ترجمه ابوتراب نوری، تصحیح و تجدید حمید شیرانی، چاپ سوم، تهران: سنایی و تأیید اصفهان.
- تکمیل همایون، ناصر، (۱۳۶۸)، «اسلام و تداوم نقش فرهنگی ایران در خلیج فارس»، مجموعه مقالات سمینار خلیج فارس: وزارت امور خارجه.
- دلاواله، پیتر، (۱۳۸۰)، *سفرنامه*، ترجمه محمود بهفروزی، جلد ۱ و ۲، تهران: قطره.
- دلاواله، پیتر، (۱۳۸۴)، *سفرنامه*، ترجمه شعاع الدین شفا، تهران: علمی و فرهنگی.
- رمضان نرگسی، رضا، (۱۳۹۰)، «بررسی انتقادی شش سفرنامه مهم اروپایی در دوره صفوی»، *نشریه معرفت*، سال بیستم، شماره ۱۷۰، ص ۱۱۹-۱۳۸.
- سانسون، مارتین، (۱۳۴۶)، *سفرنامه*، وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان، ترجمه تقی تفضلی، تهران: ابن سینا.
- شیبانی، ژن رز فرانسواز، (۱۳۸۱)، *سفر اروپاییان به ایران*، ترجمه ضیاء الدین دهشیری، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- شاردن، ژان شوالیه، (۱۳۷۴)، *سفرنامه*، ترجمه اقبال یغمایی، ج ۲، چاپ اول، تهران: توس.
- شورمیچ، محمد، (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر روند قدرت گیری انگلیس در خلیج فارس، قم»، *فصلنامه تاریخ درآینه پژوهش*، سال هفتم، شماره چهارم، زمستان ۸۹، صص ۸۷-۱۰۴.
- طاهری، ابوالقاسم، (۱۳۴۹)، «سفر نامه کارری»، *روزنامه کاوه*، شماره ۳۸، صفات ۶۱۱-۶۱۴، سایت نور مگزین.
- فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا، (۱۳۶۳)، *سفرنامه*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.
- کمپفر، انگلبرت، (۱۳۶۳)، *سفرنامه*، ترجمه کیکاووس جهاندار، چاپ دوم، تهران: خوارزمی.
- کرویس، دیرک وان در، (۱۳۸۴)، *شاردن و ایران*، ترجمه حمزه اخوان تقوی، چاپ دوم، تهران: نشر فرزاد روز.

- ۱۸-کاری، جملی، (۱۳۴۸)، سفرنامه، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، آذربایجان شرقی: اداره کل فرهنگ و هنر.
- ویلسن، آرنولد، (۱۳۶۶)، خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، تهران: علمی و فرهنگی.
- وثوقی، محمدباقر، (۱۳۸۶)، تاریخ خلیج فارس و سرزمین‌های همجوار آن، چاپ اول، تهران: پیام نور.
- نوائی، عبدالحسین، (۱۳۷۷)، روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه، تهران: سمت.

Archive of SID